

تاریخ وصول: ۹۱/۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۱/۴/۱۲

قدرت نرم از دیدگاه اسلام و کاربرد

مؤلفه‌های آن در جمهوری اسلامی ایران

۹ فصلنامه مطالعات

قدرت نرم

قدرت نرم از دیدگاه اسلام و کاربرد مؤلفه‌های آن در جمهوری اسلامی ایران

حسین پور احمدی و همکار

حسین پور احمدی^۱
مهدی جعفری پناه^{۲*}

۱. دانشیار دانشگاه شهید بهشتی، تهران، تهران، ایران.

۲. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه قم، قم، ایران.

چکیده

امروزه استفاده از مؤلفه‌های قدرت نرم در سیاست‌های داخلی و خارجی کشورها بیش از گذشته مورد تأکید قرار گرفته است. درحالی‌که در مفهوم‌سازی اولیه از قدرت نرم مؤلفه‌هایی مثل فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و مطلوب‌های سیاست خارجی بیان گردیده است، در این مقاله مؤلفه‌های قدرت نرم از منظر اسلام و مؤلفه‌های نرم‌افزاری این قدرت در جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین ارزیابی کاربرد مؤلفه‌های قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران نیز در ادامه مقاله مورد تأکید قرار دارد. بر این اساس مؤلفه‌های قدرت نرم آن‌گونه که در اسلام مطرح می‌باشد متفاوت از آن چیزی است که در مفهوم‌سازی اولیه از این قدرت ارائه شده است. علت این تفاوت در نوع نگاه به قدرت، انسان، اخلاق و خدا است. منابع قدرت نرم اسلامی آن‌گونه که در جمهوری اسلامی ایران ظاهر شده‌اند بر ارزش‌هایی چون ایثار، شهادت‌طلبی، معنویت‌گرایی، عدالت‌باوری، حق‌گرایی و استقلال‌طلبی استوار است، به گونه‌ای که ضمن ایجاد تحول فرهنگی در سطح داخلی بر روند تحولات خودباوری دینی و بیداری اسلامی در حوزه پیرامونی خود نیز تأثیرگذار بوده است.

واژگان کلیدی: قدرت نرم، قدرت سخت، فرهنگ، منابع اسلامی، اخلاق، خدامحوری، عدالت

و جمهوری اسلامی ایران.

Email: m.jafari.p@gmail.com

* نویسنده مسئول مقاله:

از اوایل دهه ۱۹۹۰ نظریه‌ای در قالب قدرت نرم توسط جوزف نای مطرح شد که موضوع علم روابط بین‌الملل یعنی قدرت را، با توجه به ناتوانی مکتب واقع‌گرایی در عدم تحلیل درست از قدرت تحت تأثیر قرارداد. تعریف نای از قدرت که آن را اعمال نفوذ بر دیگران به جهت تغییر رفتار بیان می‌کند؛ با توجه به ویژگی‌هایی که بیان می‌کند؛ از جمله پایداری اثر قدرت نرم و مواردی از این قبیل. به نظر می‌رسد؛ این تعریف و اثرش آن طور که نای مطرح می‌کند، به دلیل برخی مبانی و اصول نادرست مثل دوری از اخلاق و تکیه صرف بر مسائل مادی؛ نمی‌تواند برای مدت طولانی کارساز باشد.

آنچه در این تحقیق دنبال آن هستیم، این است که بیان گردد، فرهنگ غنی اسلام به عنوان یک مکتب با ظرفیت‌هایی که در ایجاد قدرت نرم دارد، می‌تواند به عنوان یک عامل ایجابی دیگران را جذب و همراه خود سازد؛ و در مقابل به عنوان یک عامل سلبی از نفوذ و رخنه هر گونه فرهنگ بیگانه و یا سلطه آن‌ها جلوگیری نماید. و در این راستا مشکلات و کاستی‌های موجود در نظریه‌های غربی که ناشی از سطحی‌نگری، عدم توجه به خدامحوری و اخلاق و... است بر طرف می‌گردد. مؤلفه‌های قدرت نرم اسلامی می‌تواند جایگاه مباحث اسلامی را در این موضوع به روشنی بیان کند. هدف از انجام این تحقیق پرداختن به سه موضوع است که در طول هم قرار دارد و آن‌ها عبارت‌اند از الف) مؤلفه‌های قدرت نرم از دیدگاه اسلام؛ ب) بررسی و شناخت مؤلفه‌های جمهوری اسلامی ایران؛ ج) کاربرد مؤلفه‌های قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران.

سؤال اصلی این نوشتار: مؤلفه‌های قدرت نرم در اسلام کدام‌اند؟ و کاربرد آن مؤلفه‌ها در جمهوری اسلامی در چه گستره‌ای دنبال شده است؟ در جواب سؤال فرضیه‌ای به شرح ذیل مطرح است که قدرت نرم در اسلام بر مؤلفه‌هایی مثل اخلاق، خدامحوری، دعوت، عقلانیت، فرهنگ غنی و... استوار گردیده و به

عنوان مبانی ساختار قدرت در جمهوری اسلامی ایران، دنبال شده؛ و موفقیت‌های زیادی در داخل و خارج داشته است. اما در برخی موارد به دلیل عدم استفاده درست مؤلفه‌های قدرت نرم، در مقام اجرا با محدودیت‌هایی روبه‌رو بوده است. چارچوب نظری مطرح در این تحقیق رویکرد سازه‌انگاری (Constructivism) است. که به عنوان یک فرا نظریه بعد از جنگ سرد مطرح شد. (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۳۲۳)

۱۱
فصلنامه مطالعات
قدرت نرم

قدرت نرم از دیدگاه اسلام و کاربرد مؤلفه‌های آن در جمهوری اسلامی ایران

حسین پور احمدی و همکار

در این نظریه، فرهنگ مهم‌ترین مؤلفه این رویکرد را نشان می‌دهد. (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۳۱۰) بنابراین یکی از شاخصه‌های اصلی رویکرد سازه‌انگاری توجه به ساختارهای فرهنگی و ارزشی در کنار عناصر مادی است. در واقع انتخاب سازه‌انگاری به عنوان چهارچوب نظری در این تحقیق به این خاطر است که مدلول این نظریه، ناظر به اهمیت دادن ساختارهای نرم‌افزاری نظام ذهنی و باورها است و مکتب اسلام و جمهوری اسلامی ایران به نظام ارزش‌ها و باورها و دین و اعتقادات اهمیت زیادی قائل هست و مؤلفه‌هایی مثل اخلاق و خدامحوری و عدالت و... در شکل‌گیری آن مؤثر است.

۱. قدرت نرم

در میان اندیشمندان حوزه قدرت نرم، جوزف نای، به عنوان نخستین شخصی که قدرت نرم را مفهوم‌سازی نمود شهرت یافته است. او قدرت نرم را شیوه‌ای برای رسیدن به نتایج دلخواه، بدون تهدید و تشویق آشکار و ملموس می‌دانست بر این پایه یک کشور و حاکمیت می‌تواند به مقاصد مورد نظر خود برسد. چون کشورهای دیگر، ارزش‌های آن را می‌پذیرند و تحت تأثیر پیشرفت و اندیشه آن قرار می‌گیرند و در نتیجه خواهان پیروی از آن می‌شوند. در این مفهوم مهم‌ترین مسئله، تنظیم دستورالعملی برای جذب دیگران است. بنابراین قدرت نرم، کسب آنچه می‌خواهید از طریق جذب کردن نه از طریق اجبار، زور و پاداش است. (نای، ۱۳۸۹: ۴۷)

در دارا بودن کشورها از منبع قدرت نرم شاهد پیچیدگی‌های زیادی هستیم و آن به این علت است که مفهوم قدرت نرم پیچیده است و هر کشوری به صورت بالقوه می‌تواند آن را به دست آورد. امروزه مثل قبل وجود یک کشور در رأس هرم قدرت برتر مطرح نیست. اگر زمانی کشورهای خاصی به دلیل قدرت مادی، اقتصادی و نظامی مثل پرتغال، انگلیس و یا آمریکا در رأس هرم قدرت بودند. اما امروزه به تعداد کشورها قدرت مطرح است، که برگرفته از ظرفیت‌های مادی و معنوی آن‌ها است؛ در این شرایط آنچه مهم به نظر می‌رسد این است که باید تعامل کرد. عده‌ای بر این عقیده‌اند که قدرت نرم به تنهایی ما را به مطلوب نمی‌رساند. سوزان ناسل در نشریه *فارین پالیسی* شماره آوریل ۲۰۰۴ مقاله منتشر، و مفهوم قدرت هوشمند را پیشنهاد نمود که به معنای ترکیب هوشمندانه دو قدرت نرم و سخت است. وی معتقد است توانایی‌ها و برتری نظامی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیک باید در یک جهت هماهنگ شوند، تا کارآمدتر شود و برآیند آن تداوم و برتری یک کشور را تضمین کند. (نای، ۱۳۸۹: ۵۱)

آنچه جوزف نای به عنوان منابع قدرت نرم آورده دربردارنده سه مؤلفه است که به عنوان منابع خاص نرم‌افزاری مطرح گردد و آن‌ها عبارت‌اند از: الف) فرهنگ، که برای دیگران جذاب باشد؛ ب) ارزش‌های سیاسی؛ ج) مطلوب‌های سیاست خارجی. (نای، ۱۳۸۹: ۵۱)

۲. منابع قدرت نرم فرهنگ

تا حدود دو سه دهه قبل اسمی از فرهنگ در معادلات سیاسی و بین‌المللی نبود و اساساً نقشی نداشت در واقع رویکرد رئالیستی مانع از مطالعات عمیق‌تر در حوزه مسائل جهانی و مسایلی همچون لایه‌های درونی مثل فرهنگ و هویت شده بود. (قوام، ۱۳۸۰: ۹۱) تا این‌که اولین بار ایوشومی جامعه‌شناس فرانسوی اعلام کرد: فرهنگ یک بعد سیاسی دارد، زیرا فرهنگ خود را پشت تمام کنش‌های فردی پنهان نموده و همان‌طور که بر رفتار اجتماعی اثر می‌گذارد، بر

رفتار سیاسی نیز اثر مهمی بر جا می‌گذارد. (نقیب‌زاده، ۱۳۸۲: ۶) و امروز از فرهنگ به عنوان مهم‌ترین منبع قدرت نرم نام‌برده می‌شود. (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۳۰۶) قدرت نرم که بعضاً آن را قدرت هنجاری و قدرت انگاره‌ای و عقیدتی می‌نامند، تکیه بر فرهنگ و ارزش‌ها دارد. (اصغریان کاری، ۱۳۸۹: ۳۲) نظریه قدرت نرم نقش فرهنگ را بسیار مهم تر از سیاست می‌داند. تغییر نگاه مردم به سیاست یک کشور در صورت مخالف بودن با آن ساده است. چون می‌شود به راحتی سیاست را تغییر داد. اما اگر در فرهنگ اختلاف باشد و نگاه به یک فرهنگ نگاه اختلافی باشد به نحوی که هویت، هنجار و ارزش‌های یک جامعه با کشور دیگر تباین داشته باشد، جمع آن دو بسیار مشکل است. مگر این‌که یک طرف بتواند از فرهنگ خود تصویر مثبت و یا جاذبه‌هایی در ذهن طرف مقابل ارائه گرداند.

در قاموس و عرف بین‌الملل از واژه فرهنگ به عنوان قدرت نرم یاد می‌گردد. (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۲۹۶) فرهنگ جهت دهنده به ذهن و رفتار در همه حوزه‌های اجتماعی است. فرهنگ یک کشور بیانگر شخصیت و هویت یک کشور است، (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۷۴) و می‌توان گفت نظم اجتماعی از طریق فرهنگ ساخته می‌شود، مورد مخالفت قرار می‌گیرد و یا باز تولید می‌گردد. (تاجیک، ۱۳۸۴: ۴۴) چهره زمخت سیاست و قدرت به وسیله ابزارها و روش‌های فرهنگی تلطیف می‌گردد. زیرساخت‌های فرهنگی باعث سامان دادن به فعالیت‌های سیاسی در سطح سیاست و فرهنگ جهانی می‌گردد. (خراسانی، ۱۳۸۷: ۴۵) اگر کشوری دارای فرهنگ قوی و جاذبه بالایی داشته باشد؛ می‌تواند در لوای آن به مطلوب خود برسد و دیگران را جذب نماید، به طوری که دیگران هم خواسته‌های آن کشور را بپذیرند.

فرهنگ شامل دو بعد ارزشی و علمی می‌گردد، بعد ارزشی آن باید به نحوی باشد که برای دیگران دارای جذابیت بوده و این جذابیت‌ها ممکن است از راه

فیلم، موسیقی، آداب و رسوم، تبلیغات، هنر و ادبیات به دست آید و در بعد علمی بحث اهمیت علم و گسترش امکانات علمی مثل دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقی مطرح است. امروزه کشورها، دنبال قدرت سخت‌افزاری نیستند و علت آن هزینه‌های بالا و همچنین جوابگو نبودن قدرت سخت در جهان امروز است. در مقابل سعی دارند با تولید علم و افزایش مراکز دانشگاهی، تهیه فیلم و موسیقی و دیگر منابع فرهنگی نفوذ خود را افزایش دهند. امروزه حتی فوتبال و دیگر رشته‌های ورزشی، مد لباس و غذای خاص یک کشور مثل مک دونالد، و حتی تجارت به عنوان یکی از راه‌های انتقال فرهنگ (نای، ۱۳۸۹: ۱۴۶) جزء قدرت نرم‌افزاری کشورها محسوب می‌گردد.

جوزف نای تئوریسن قدرت نرم، معتقد است، ارزش‌های مثبت سیاسی یک کشور در بعد داخلی و خارجی می‌تواند، قدرت نرم یک کشور را افزایش دهد. در بعد داخلی؛ پاسخگو بودن به مردم، رعایت اخلاق و اجرای عدالت، همگی از ارزش‌های مثبت یک حکومت است. در عرصه خارجی هر حکومتی که میزان تعاملات و مناسباتش در عرصه بین‌الملل و منطقه‌ای با نهادهای دیگر سنجیده‌تر و همگراتر باشد و اختلافات را به حداقل رسانیده و به معاهدات بین‌المللی پایبند باشد. قدرت نرم آن کشور افزایش می‌یابد زیرا موجب جلب اعتماد دیگران و باعث نشان دادن برآیند مثبت از چهره یک کشور می‌گردد و این امر امروزه در بعد سیاست خارجی منجر ر به جذب دیگران و افزایش قدرت و نفوذ یک کشور می‌گردد. (بیکی، ۱۳۸۹: ۵۹-۶۱)

دیپلماسی عمومی یکی از ابزارهای کلیدی قدرت نرم است. (میلسن و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۱) که جذب قلوب و افکار، در این نوع دیپلماسی مشهود است. (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۲۲) زیرا در این نوع سعی شده دیپلماسی با اخلاق مورد توجه قرار گرفته به نحوی که امروزه اکثر کشورها سعی دارند، در دیپلماسی و روابط بین کشورها خود را اخلاقی نشان دهند. از آن‌جا که فرهنگ و ابزارهای

فرهنگی در بسیاری از موارد ضمیر ناخودآگاه مخاطبان را هدف قرار می‌دهد. و با لطافت و ظرافت غیر مشهودی بر لایه‌های عمیق اذهان تأثیر می‌گذارد، لذا در مقایسه با سایر ابزارهای شایع در سیاست خارجی دیپلماسی فرهنگی یا عمومی با سهولت بیشتری بر لایه‌های زیرین جوامع رسوخ و اثر می‌گذارد. در این دیپلماسی فرصت بهتری برای حضور جدی بازیگران غیردولتی مهیا می‌گردد و با توجه به این‌که در قدرت نرم، توأم ساختن دیپلماسی با اخلاق یک امتیاز است که کشورها سعی می‌کنند، خود را متصف به آن سازند. این نوع دیپلماسی، اخلاقی‌تر و انعطاف‌پذیرتر است. (خانی، ۱۳۸۲: ۱۳۷-۱۳۹)

۱۵

فصلنامه مطالعات

قدرت نرم

به نظر می‌رسد با توجه به منابع قدرت نرمی که توسط جوزف نای مفهوم‌سازی گردیده است دو خلط وجود دارد. اول این‌که ایشان در پاره‌ای از موارد بین قدرت نرم و تبلیغات تفکیک قائل نشده است به طور مثال در جاهایی که ایشان از یک موسیقی و یا یک غذای خاص به عنوان قدرت نرم فرهنگی نام برده است. اساساً مؤلفه قدرت نرم محسوب نمی‌گردد، بلکه نوعی تبلیغ از فرهنگ آن کشور است زیرا در قدرت نرم باید طرف مقابل جذب شود و نتیجه مطلوب به دست آید. اما همان‌طور که خود نای در کتاب قدرت نرم آورده است، چه بسا کشورهای غذا، موسیقی و محصول هنری از یک کشور را می‌بینند، اما به هیچ عنوان جذب سیاست‌ها و فرهنگ آن کشور نمی‌گردند. پس ایشان این تفکیک را قائل نشده و اگر واقعاً عقیده دارد که مواردی مثل موسیقی، فیلم و یا نوع خاصی از غذا مثل مک دونالد، قدرت نرم محسوب می‌گردد. با گفته‌هایشان در کتاب قدرت نرم وی در تناقض است. دوم این‌که جوزف نای از یک طرف بحث اغواء، فریب‌کاری و پنهان‌کاری را در سیاست داخلی و خارجی بیان می‌کند و از طرف دیگر بحث اعتمادسازی و تعامل و همکاری را اظهار می‌دارد که این دو با هم قابل جمع نیست. با توجه به آنچه گفته شد امروزه شاهد هستیم، مردم کشورهای اسلامی در منطقه خاورمیانه انقلاب‌هایی به راه

انداخته‌اند که دنبال اسلام هستند و همچنین در این انقلاب‌ها شاهد این هستیم که هر حاکمی که زیر سلطه آمریکا و غرب، هم پیمان آن‌ها است مورد اعتراض قرار می‌گیرند و این نشان می‌دهد آنچه را که نای به عنوان منبع قدرت نرم مطرح می‌کند، نتوانسته است در آن‌ها تأثیر بگذارد و آن‌ها را به مطلوبشان برساند. این در حالی است که آمریکا و غرب در اوج قدرت خود به لحاظ سیاسی و فرهنگی فعالیت‌هایی مثل تولید فیلم و موسیقی و... نتوانسته‌اند به خواسته‌های خود برسند و این نشان از ناموفق بودن چنین قدرتی است که آن‌ها را به مطلوب برساند.

۳. مؤلفه‌های قدرت نرم از منظر اسلام

قدرت نرم قدرتی است که در آن برآیندی از چهره مثبت و لطیف قدرت بیان می‌گردد. با توجه به آنچه در قبل بیان گردید، مؤلفه‌های قدرت نرم از نگاه جوزف نای عبارت‌اند بودند از فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و مطلوب‌های سیاسی و سیاست خارجی. در این بخش به هر یک از مؤلفه‌ها و شاخص‌های قدرت نرم از منظر اسلام، با توجه به روایات و آیات پرداخته خواهد شد. نکته کلیدی و قابل تأمل در بحث مؤلفه‌های قدرت نرم از منظر اسلام این است که خاستگاه و منشأ قدرت نرم، حاکمیت و یا واژه‌هایی نظیر ولایت و خلافت که مترادف واژه حکومت‌اند، خداوند است. لذا همه قدرت‌ها به خدا بر می‌گردد. «أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً» (بقره/ ۱۶۵) یعنی به درستی همه قدرت‌ها و قوت‌ها مخصوص خداوند است. با توجه به آنچه گفته شد، وقتی قائل به این شدیم، که همه قدرت‌ها از آن خداست و منشأ الهی و آسمانی دارد. پس مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده قدرت نیز باید صبغه الهی و آسمانی داشته باشد. به عبارت دیگر صرف مؤلفه‌های مادی قدرت بدون در نظر گرفتن جنبه‌های الهی و آسمانی مد نظر اسلام نیست. مضافاً این‌که دین اسلام بر مبنای فطرت شکل گرفته است و جنبه‌های غریزی و جذاب مادی و منافع ظاهری قدرت اصالت ندارد. مسئله دیگری که در این‌جا مطرح است

این که ماهیت تمدن اسلام و غرب، از حیث نوع نگاه به الله، انسان و اجتماع، تفاوت دارد و لذا در مکتب اسلام نوع نگاه‌ها به قدرت نرم نگاه متعالی و الهی است. در حکمت متعالی اسلام بدن مرکب از روح و جسم است که نیاز بدن به هر دو ضروری است و چه بسا جنبه‌های غیر جسمانی (روحانی)، که با روح و وجدان انسان سر و کار دارد، مهم‌تر از جنبه‌های جسمانی است. (لکزایی، ۱۳۹۰) اگر روح به واسطه بی‌اخلاقی، بی‌عدالتی و بی‌صداقتی صدمه ببیند، ترمیم آن بسیار سخت‌تر خواهد بود از این که یک مؤلفه مادی قدرت را از دست بدهد. با توجه به آنچه گفته شد، وقتی نگاه به انسان به این صورت باشد. به طور حتم نگاه به مؤلفه‌های قدرت نرم نیز فرق خواهد کرد. از منظر اسلام قدرتی که به فطرت پاک انسان‌ها خدشه وارد نماید. و در آن اخلاق، معنویت، عدالت و صداقت نباشد نمی‌پذیرد. پس مؤلفه‌های قدرت نرم که در اسلام مطرح است کاملاً متفاوت از چیزی است که نای مطرح می‌کند. این منابع قدرت نرم از منظر اسلام فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و مطلوب‌های سیاست خارجی است. در بعد فرهنگی، می‌توان به دو نوع فرهنگ ارزشی و علم‌گرایی اشاره نمود که شامل جهاد و شهادت، معنویت و تعقل می‌گردد و در بعد ارزش‌های سیاسی به اخلاق، عدالت، صداقت و خدامحوری به عنوان مطلوب‌ها و ارزش‌های سیاسی پرداخته می‌شود که در کسب قدرت و نفوذ و جذب دیگران به عنوان یک اصل قرار دارد. در بعد سیاست خارجی نیز دعوت، همکاری، تعامل و وحدت از مبانی سیاست خارجی اسلام محسوب می‌گردد، در باب جذب دیگران مقدم بر امور سخت‌افزاری مانند جنگ و تصاحب سرزمین بوده است و پیامبر اسلام نیز از آغاز رسالت خود دعوت و همکاری با دیگران را به عنوان یک اصل در سیاست خارجی خود قرارداد داده بودند.

۱۷

فصلنامه مطالعات

قدرت نرم

قدرت نرم از دیدگاه اسلام و کاربرد مؤلفه‌های آن در جمهوری اسلامی ایران

حسین پور احمدی و همکار

۴. فرهنگ

۱ - ۴. فرهنگ اسلامی

فرهنگ اسلامی، دین و سیاست جلوه‌ای از یک حقیقت‌اند. ولی در فرهنگ غربی با تسلط سکولاریسم دین از سیاست جدا گردیده است. فرهنگ اسلامی ویژگی‌های دارد که آن را از تمام فرهنگ‌های موجود در دنیا متمایز کرده است و در ذیل به آن اشاره می‌گردد.

منابع فرهنگ اسلامی آسمانی و الهی و غیر بشری است.

اصول فرهنگ اسلامی ثابت ولی ماهیت آن قابل انعطاف است.

فرهنگ اسلامی بر اصولی بنا گشته که با فطرت انسان‌ها همسو شده است.

در فرهنگ اسلامی اصل احترام به ملت‌ها و تعامل در عین استقلال لحاظ گردیده است.

در فرهنگ اسلامی به خاطر وجود اعتقاد به اصل معاد (دنیای پس از مرگ)، برخی مراقبت‌ها در حوزه اخلاق سیاست و عدالت از طرف افراد صورت می‌گیرد.

با توجه به اعتقادات و باورهای مسلمانان، انسان تنها جسم نیست، بلکه دارای بعد مهم‌تر دیگری به نام بُعد روحانی است که وجود دارد که نیازهای فطری و غیرمادی (روحانی) انسان مثل اخلاق، صداقت، عدالت و... در گرو آن بر آورده می‌گردد.

۱-۱-۴. علم‌گرایی

اسلام بیش از هر دینی انسان را به تفکر، تعلیم و تعلم دعوت کرده و آیات و روایات نقل شده از ائمه معصومین (ع) مؤید این مطلب بوده به نحوی که اولین آیات قرآن درباره اهمیت علم و یادگیری است. «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ - عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق: ۴-۵) «خداوند انسان را تعلیم کرد چیزهایی را که نمی‌دانست.»

واژگان دیگری مثل حکمت، ربّ و قرائت که در قرآن آمده است، نشان‌دهنده اهمیت علم در اسلام است. در روایات بسیاری طلب و تحصیل علم با مهیّا بودن امکانات و شرایط واجب گشته است، اگر چه برای تحصیل آن شخص مجبور به ترک دیار خود گردد و مسافت زیادی را طی مسیر کند تا بتواند به آن علم برسد. «طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه» (کلینی، ۱۳۷۵: ۳۰) اگر امروزه انسان‌ها در صددند با سازوکارهای قانونی آموزش را اجباری نمایند و آن را از اصول توسعه‌یافتگی می‌نامند. در چهارده قرن قبل امام جعفر صادق (ع) در حدیثی می‌فرمایند: "لیست السیاط علی رؤس اصحابی حتی یتفقها" یعنی کاش بر سر یارانم تازیانه می‌زدم تا فقیه و دانا شوند. (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۲۰)

تولید علم و مراکز دانشگاهی از این جهت مورد اهمیت است که باعث بی‌نیازی کشور نسبت به دیگران در پیشبرد اهداف می‌گردد و کشور را از هر گونه وابستگی به دیگران رهایی می‌دهد و این امر موجبات عزت، استقلال و اقتدار یک کشور را فراهم می‌نماید. آنچه که بیان گردید مربوط به جنبه‌های ظاهری و مادی فراگیری علم است. بُعد دیگر قضیه که به مراتب مهم‌تر است. این‌که مجهز شدن به علم روز و تولید آن ثمرات معنوی به جا می‌گذارد که باعث جذب دیگران می‌گردد.

۲-۱-۴. اخلاص و معنویت

اخلاص یعنی این‌که انسان دوست نداشته باشد، کاری که انجام می‌دهد دیگران از او تعریف کنند و انجام کار فقط برای رضای خدا و تحقق دستور خداوند باشد. شخصی که در اعمال و کردار اخلاص داشته و همه حرکات و سکناتش برای رضای خدا است، علاوه بر آرامش روحی که به علت مبارزه با هوای نفس در انسان‌نمایان می‌شود به انسان شجاعت و بصیرت می‌دهد. شخص مخلص به تکلیف الهی عمل می‌کند و فرق نمی‌کند که دنبال علم برود، بیاموزد،

شهادت را انتخاب کند در مقابل استکبار بایستد هر یک از موارد مذکور و یا غیر آن را شخص مخلص انجام دهد ناشی از عزم و اراده تقویت شده‌ای است که به خاطر ترس از خدا به دست آمده است. این نوع اخلاص علاوه بر این که به انسان جسارت و شجاعت می‌دهد به هیبت و شوکت او نیز می‌افزاید.

بحث دیگری که در این جا مطرح است معنویت‌گرایی است و آن به معنای رویگردانی از وابستگی‌های به دنیا است. در فرهنگ اسلامی کسب و افزودن به قدرت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری لازم و ضروری است. اما همه این‌ها باید در خدمت قدرت معنوی و الهی باشد. بصیرت، شجاعت، شهادت، تکلیف‌گرایی و اعتماد به نفس، اخلاص، همدلی و استقامت در پرتو خدا حاضری و خدامحوری است. فرهنگ معنویت‌گرایی فرهنگ، خدا ناظری و خدا حاضری را به دنبال دارد که در نتیجه آن افراد کارآمدتر می‌گردند، به نحوی که یک گروه اندک بر یک گروه بزرگ‌تر غالب می‌گردد. «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره / ۲۴۹) یعنی چه بسا یک گروه اندک بر یک گروه بزرگ‌تر با اراده خدا و صبر پیروز می‌شوند. " که سر منشأ تمام این‌ها معنویت و خدامحوری است. در فرهنگ اسلامی تجهیز قوا به پیشرفته‌ترین تجهیزات در کنار تقویت نمودن و تجهیز نمودن امر معنوی است که این معنویت موجب تعادل در اخلاق و رشد شخصیت و کسب هویت و رسیدن به جذابیت می‌گردد.

۲-۴. فرهنگ مقاومت و شهادت

در اندیشه و فرهنگ سیاسی شیعه، جهاد و شهادت به عنوان یک اصل، عامل نجات‌بخش، هدف استراتژیک و عامل تأثیرگذار تلقی می‌گردد. این فرهنگ ریشه در اعتقادات دینی و باورهای مردم دارد، لذا این‌طور نیست کسی بدون جهت شهادت طلب گردد، بلکه اعتقاد به آن سبب شده شهادت برای آن‌ها یک مسئله حل شده گردد.

جهاد و شهادت دو عنصر تاریخ‌ساز و سرنوشت‌آفرین حیات اجتماعی مسلمانان است. حضور این دو عنصر در حیات سیاسی - اجتماعی مسلمانان، نقش برجسته‌ای در هویت دینی، فرهنگی و بومی آنان دارد و فراموشی این دو عنصر باعث ذلت و بی‌چارگی آنان می‌گردد. این دو عنصر (جهاد و شهادت) که تنها در منظومه فکری و هویت‌ساز مسلمانان یافت می‌شود. عناصری که حضورشان برای فرهنگ و تمدن اسلامی هویت و بسترساز اعتمادبه‌نفس و خودباوری مسلمانان و ترس و زبونی دشمنان اسلامی می‌باشد، این‌ها نه تنها در پیروزی، بلکه در دوام آن نیز مؤثر است. به عبارت دیگر به هر اندازه که فراموشی جهاد و شهادت در جامعه اسلامی موجب ذلت مسلمانان آن جامعه می‌گردد، به همان اندازه برخورداری از روحیه جهاد و شهادت آفریننده قدرت نرم و بالندگی و بازدارندگی در مقابل دشمنان را دارد. (محمدی، ۱۳۸۹: ۹-۱۰)

فرهنگ شهادت‌طلبی به عنوان یکی از اصلی‌ترین منبع قدرت نرم در بین مسلمانان محسوب می‌گردد. (افتخاری و شعبانی، ۱۳۸۹: ۹۹) علی شریعتی در دو سخنرانی معروف خود تحت عنوان شهادت و پس از شهادت، به مناسبت عاشورای ۱۳۵۰ بیان کرد، هنگامی که حکام و قدرت‌های جابر و حاکم مردم را با زور و تزویر خاموش می‌کنند، تنها انتخاب آگاهانه شهادت است که می‌تواند سکوت حاکم را شکسته و حاکم را مفتضح سازد. امام حسین (ع) می‌توانست سکوت کند، اما با شهادت راه خود را ادامه داد. (حسین‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۱۰) آنچه در جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله در لبنان، جنگ تحمیلی عراق بر ضد ایران و جنگ ۲۲ روزه در غزه صورت پذیرفت نمونه بارزی از شکست‌ناپذیری است.

۳-۴. عزت‌مداری و اعتمادبه‌نفس

یکی از مفاهیم برجسته مکتب اسلام، بحث عزت‌مداری است و آن حالتی است که فرد را غیر شکننده و طالب پیروزی مطلق می‌نماید. طبق فرمایش قرآن

کریم عزت امری مقدس است که اساساً از آن خداوند، رسول و مؤمنین است. «وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون / ۸) "عزت مخصوص خدا و رسول و اهل ایمان است و لیکن منافقان از این معنی آگاه نیستند." شرط داشتن عزت برای مؤمنین این است که در مقابل هر توطئه و ظلم بایستد، و هر گونه کسب عزت را از خداوند متعال بطلبند. امام محمدباقر (ع) می فرماید: "المؤمن أصلبُ من الجبَل" (کلینی، ۱۳۷۵: ۲۴۱) «شخص مؤمن از کوه استوارتر است.» به عبارت دیگر آنچه از این فرهنگ می توان به دست آورد و فهمید این است، پیامد داشتن عزت به عنوان یک خصلت فردی یا جمعی، شکست ناپذیری، ثبات قدم و مقهور نشدن در مقابل خطرات بیرونی و درونی است. آنانی که عزت دارند به هیچ وجه تن به ذلت و پستی نمی دهند.

از روحیه خودباوری و اعتمادبه نفس مسلمانان می توان به عنوان یک قدرت منبع در افزایش قدرت نرم افزاری نام برد. امام علی (ع) در حدیثی می فرماید: "كُنْ مَوْقِنًا تَكُنْ قَوِيًّا." یعنی این که اگر یقین و اعتمادبه نفس داشته باشی، به خاطر آن قوی و قدرتمند می شوی. (زمانی، ۱۳۶۲: ۵۸۰) اعتماد به نفسی که پشتوانه آن اعتقاد قلبی به خداوند است، از طرفی به انسان انگیزه می دهد و از سوی دیگر باعث می گردد که شخص در مقابل سختی ها و مشکلات صبر کند و با ظلم ها و نا عدالتی ها به مبارزه برخیزد. نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی آثار اعتمادبه نفس موجب عزت و سربلندی و شکوفایی استعدادها و جوانه زدن امیدها می گردد و همچنین باعث عملی گشتن تصمیمات و پیشرفت و موفقیت و شکست ناپذیری و رسیدن به کلید موفقیت در قله های ایمان، علم و دانش می گردد. نتیجه تمام این شاخصه ها، اقتدار و عظمت است که در مقابل دشمنان مانند یک دژ مستحکم قرار می گیرد.

۵. ارزش‌های سیاسی

۵-۱. خدامحوری

توحید، محور هستی و آموزه‌های قرآنی است که می‌توان از آن نقشه هستی و راهنمای دست‌یابی به حقیقت را به دست آورد. توحید و یا خدامحوری، مبنا و محور اصلی تمام قانون‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در اندیشه‌ها و نظامات سیاسی اسلام است و هدف تمام پیامبران نیز بر مبنای اصل توحید شکل گرفته است.

هر یک از مؤلفه‌های ذیل که در درون اعتقاد به خدامحوری و خدا ناظری به وجود می‌آید. باعث تقویت قدرت و اعتماد به نفس و روحیه اقتدار و شکست‌ناپذیری می‌شود. در ذیل به نمونه‌های دیگر از نقش و آثار خدامحوری اشاره می‌گردد.

تکلیف محوری از درون اعتقاد به خدامحوری در می‌آید به این معنا که نفس تکلیف محوری به عنوان نماد خدامحوری این اعتقاد را به وجود می‌آورد که خداوند مالک و صاحب اختیار ماست و انسان فقط باید به تکالیف الهی عمل کند، البته تکلیف محوری موجب اعتقاد راسخ به انجام عمل، ترس از خدا، احساس مسئولیت، آرامش روحی و اخلاص در عمل می‌شود. همچنین انسان تکلیف محور در انجام وظیفه خستگی‌ناپذیر و شکست‌ناپذیر می‌گردد.

۱. اعتقاد به توحید باعث می‌شود که نگرش و نگاه به انسان‌ها، یک نگاه حقوق بشری باشد. زیرا تمام انسان‌های روی زمین با هر زبان و گویش و قومیتی که دارند نزد خداوند مساوی هستند. این نوع نگاه می‌تواند تجلی‌گاه وحدت و تعامل بین انسان‌ها واقع گردد.

۵-۲. اخلاق

رابطه اخلاق و قدرت از منظر اسلام رابطه تبیینی نیست، یعنی قائل شدن به این دیدگاه که سیاست با اخلاق قابل جمع نیست مردود است. زیرا در اسلام

توجه به هر دو ضرورت دارد. اصول اخلاقی در اسلام تابع مبانی خاصی مثل مروت، راستی، شرافت و وفا است. یعنی این که در مقام تعارض با یک امر دیگر مثل سیاست و یا مصلحت، مقدم بر آن می‌گردد و اجرای اخلاق یک هدف است نه تابعی از یک هدف. در دین مقدس اسلام اعتقاد به پیوستگی سیاست و اخلاق وجود دارد و در عین حال مقدم بر سیاست است و جایز نمی‌داند که یک امر اخلاقی ملعبه سیاست قرار گیرد به عبارت بهتر آنچه به لحاظ اخلاقی نادرست است، به لحاظ سیاسی نمی‌تواند درست باشد و نتیجه مطلوب را بدهد. (عالم، ۱۳۸۱: ۷۴) امام علی (ع) به کرات در نهج البلاغه آورده است که من از معاویه بسیار زیرک‌تر بودم. اما کارهایی که او انجام می‌داد، نیرنگ و فریب و بی‌اخلاقی بود، این در حالی بود که امام علی (ع) کارهایی که خلاف کرامت انسانی و جوانمردی بود را انجام نمی‌داد، و از ابزار حيله، ارباب، فریب و تطمیع استفاده نمی‌کرد. (نهج البلاغه، نامه ۵۳، خطبه ۱۹۸-۱۲۶)

نتیجه اجرای اخلاق و نظارت بر اخلاق این است که در جامعه امنیت و عدالت حاکم می‌گردد که در نتیجه منجر به کسب اعتماد مردم و جلب رضایت آنان است. در چنین جامعه‌ای مردم تحت تأثیر و یا نفوذ و یا توطئه دیگران قرار نمی‌گیرند، و همدلی و اعتماد و تعامل بین مردم بیشتر می‌گردد. برآیند اعتماد، وحدت و رضایت در داخل باعث می‌گردد در سطح خارجی از نفوذ بیگانگان جلوگیری گردد. از دیگر آثار اجرای اخلاق، این است که این امر موجب حفظ کرامت انسان، تعدیل‌کننده خواسته‌ها، برخورد با بی‌عدالتی‌ها، تقویت روحیه معنوی و مهارکننده نیروی سرکش انسان است.

۳-۵. عدالت و صداقت

بسیاری از سیاستمداران که قائل به همسویی و پیوند عدالت و صداقت با سیاست هستند، منش و سیره امام علی (ع) را مثال می‌زنند. هر چند بسیاری از

اندیشمندان سیاسی قائل به ناسازگاری در پیوند بین آن دو هستند. ماکیاولی سرشناس‌ترین شخصی است که ضد صداقت، اخلاق و عدالت سخن گفته است. وی در عین خوب دانستن صداقت و اخلاق و عدالت، هر گونه پیروزی و غلبه بر دیگران را تنها از راه نیرنگ و فریب و تطمیع امکان‌پذیر می‌داند و معتقد است کسانی که از نیرنگ استفاده می‌کنند نسبت به کسانی که صادق‌اند موفق‌ترند. (ملت آنالین: ۱۳۹۰)

۲۵

فصلنامه مطالعات

قدرت نرم

قدرت نرم از دیدگاه اسلام و کاربرد مؤلفه‌های آن در جمهوری اسلامی ایران

حسین پور احمدی و همکار

امام علی(ع) صداقت و اخلاق را در رأس امور سیاست قرار داده و معتقد بودند که هدف، وسیله را توجیه نمی‌کند. فرد مسلمان برای رسیدن به هدف نباید از هر راه و ابزاری استفاده نماید تا به مقصود خود برسد. اگر از صراط مستقیم پا کج نهاده شود که در آن رضای خدا نباشد، مثلاً صداقت و اخلاق و عدالت نباشد این قدرت نزد خداوند مشروع نیست. اجرای عدالت و داشتن صداقت باعث می‌گردد، با توجه به فطری بودن این امور تشنگان حقیقت به سوی آن گسیل گردند. علی‌رغم تمام بی‌عدالتی‌ها در مفهوم عدالت و صداقت، وقتی در جایی عدالت و صداقت وجود داشته باشد بدون شک در مردم اعتماد در مردم به وجود می‌آید که نتیجه آن جذب دیگران است.

۶. مطلوب‌های سیاست خارجی

سیاست خارجی اسلام به عنوان مظهر قدرت نرم در دو مقوله سیاست ایجابی و سلبی می‌گنجد. از منظر اسلام، در سیاست سلبی خط قرمزهایی وجود دارد که هر یک از آن‌ها به نظم سیاسی اقتدار می‌بخشد که از جمله آن می‌توان به استکبارستیزی، ظلم‌ستیزی و نفی سبیل اشاره نمود و در بعد ایجابی دعوت و همکاری و انعطاف‌پذیری مطرح است.

یکی از عوامل موفقیت سیاست خارجی دولت اسلامی، استقامت و پایداری مسلمانان در عقیده و دفاع از آن است. این عقیده و استقامت باعث شده است،

در اکثر مواقع ناکامی دشمنان اسلام را در پی داشته باشد. به هر اندازه استقامت‌ها کم و عقاید متزلزل گردد، دشمن راه نفوذ بیشتری پیدا می‌کند. (واثقی‌راد، ۱۳۸۳: ۴۶۴) گسترش فرهنگ اسلامی از اهداف مهم نظام سیاسی در عرصه داخلی و بین‌المللی است که این امر در قالب دعوت و تبلیغ صورت می‌پذیرد. «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا» (رعد/ ۳۹)" کسانی که رسالت‌های خدا را ابلاغ می‌کنند و از او می‌ترسند و از احدی به جز خدا نمی‌ترسند و خدا برای حسابرسی کافی است."

هدف نهایی پیامبر(ص) دعوت به یکتاپرستی و تسلیم محض در مقابل نواهی و اوامر خداوند است. ایشان برای این امر از خشونت و جنگ استفاده ننمودند بلکه امر تبلیغ و ارشاد و دعوت را پیش می‌گرفتند. به طور اساسی در اسلام، سلطه‌طلبی و زورگویی و اجبار مردم به پذیرش دستورات و احکام الهی رد شده است و تنها تذکر و دعوت، بیان گردیده است که البته در دعوت و تذکر نیز باید صداقت و راستگویی وجود داشته باشد. «فَذَكَرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكَّرٌ» - لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ (غاشیه: ۲۱-۲۲)" پس تو ای پیامبر ایشان را تذکر بده که وظیفه تو تنها همین تذکر است وگرنه تو بر آنان تسلطی نداری، تذکر را هم تنها به کسانی بده که تذکر پذیرند."

سیره عملی پیامبر اسلام(ص)، استفاده از نقاط مشترک در امر دیپلماسی از حیث آداب رسوم، سیاست و تاریخ و نمونه‌هایی از این قبیل که بتوان از آن‌ها به عنوان قدر متیقن اشتراکی استفاده نمود، بسار دیده می‌شود. خداوند در قرآن می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (آل عمران: ۶۴)" بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است، که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم، و بعضی از ما، بعض دیگر را- غیر از خدای یگانه- به

خدایی نپذیرد. هر گاه (از این دعوت،) سرباز زنند، بگویند: "گواه باشید که ما مسلمانیم!"

مراد از دعوت اهل کتاب به کلمه سواء به این نحو است که این کلمه در معنای صفت "متساوی الطرفین" استعمال شده است و معنای جمله: "سواءَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ" این است که کلمه مذکور، کلمه‌ای است که تمسک بدان و عمل به لوازم آن بین ما و شما مساوی است. و همه ما باید به آن تمسک جوئیم. (طباطبایی، ۱۴۳۷: ۳۸۹)

۲۷

فصلنامه مطالعات

قدرت نرم

نمونه‌های چشم‌گیری در رفتار سیاسی پیامبر قابل ملاحظه است. این امر از نامه‌ها و پیام‌های آن حضرت به سران دولت‌های دیگر جهت ایجاد انگیزه در مخالفان برای مذاکره، توافق‌های اصولی با آنان و کشاندن آنان به سر میز مذاکره صلح‌آمیز به خوبی مشهود است. برای مثال می‌توان از نامه پیامبر اعظم (ص)، به اسقف روم در قسطنطنیه و نامه ایشان به نجاشی پادشاه حبشه اشاره نمود که در آن‌ها بر مشترکات دین اسلام و مسیحیت، اشاره شده است، یادکرد.

۷. مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

در یک تقسیم‌بندی می‌توان کشورها را به لحاظ دارا بودن قدرت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری به چهار قسمت تقسیم نمود که در برابر جهانی شدن و یا رابطه با قدرت‌های دیگر قرار می‌گیرند: ۱. کشورهایی با قدرت نرم و قدرت سخت بالا؛ ۲. کشورهایی با قدرت نرم و قدرت سخت ضعیف؛ ۳. کشورهایی با قدرت نرم بالا و قدرت سخت ضعیف؛ ۴. کشورهایی با قدرت نرم ضعیف و قدرت سخت بالا. (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۵۴) جمهوری اسلامی ایران با توجه به این‌که از ابتدا انقلابش نرم‌افزاری و فرهنگی بوده، و دین و مذهب، توکل به خدا، توجه به مردم و... جزء اصول آن بوده است لذا جزء دسته سوم این تقسیم‌بندی قرار می‌گیرد. یعنی کشوری با ظرفیت‌های قدرت نرم بالا و قدرت سخت پایین. در

این قسمت سعی شده است، مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بیان گردد.

۸. فرهنگ

۸-۱. فرهنگ و جمهوری اسلامی ایران

طلیعه انقلاب اسلامی ایران که در قالب یک حرکت فرهنگی و با تکیه بر نیروی مردمی و ارزش‌های اسلامی صورت گرفت و پیروز گردید. این حرکت نقطه عطفی برای تحرک ملت‌های مسلمان در کشورهای دیگر شد. نقش و جایگاه نظام جمهوری اسلامی ایران در این بیداری از صدر اسلام تا کنون بی نظیر بوده است، این امر جلوه‌ای از قدرت انقلاب ایران را نمایان می‌سازد و امروزه این الگو در دیگر کشور با نام ایران که تأثیرگذار بر آنها بوده است، صورت می‌گیرد. (سیمبر و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۶۲)

آنتونی گیدنز، جامعه‌شناس مشهور انگلیسی، در خصوص نقش انقلاب اسلامی می‌گوید: "در گذشته سه غول فکری جامعه‌شناسی یعنی مارکس، دورکیم و ماکس وبر با کم و بیش اختلافاتی، فرایند عمومی جهان را به سمت سکولاریزاسیون و به حاشیه رفتن دین می‌دیدند، ولی از آغاز دهه ۱۹۸۰ (ظهور انقلاب اسلامی ایران) شاهد تحقق عکس این قضیه هستیم، یعنی فرایند عمومی جهانی روند معکوس پیدا کرده و به سمت دینی شدن پیش می‌رود." (گیدنز، ۱۳۷۴: ۷۵)

یکی از عناصر اساسی هویت ملی ایرانیان دین می‌باشد که در برگیرنده عدل و عدالت است. بی‌جهت نیست که ایرانیان تشیع را پذیرفته‌اند، زیرا در این صورت عدل جزء اصول دین آنان می‌شود، ایران از طریق اسلام شیعی دوباره حضور پیدا می‌کند. (مجته‌زاده، ۱۳۸۳: ص ۲۳۱ - ۲۳۲) فرانسیس فوکویاما در کنفرانس بیت‌المقدس در سخنرانی خود با عنوان بازشناسی هویت شیعه می‌گوید:

"شیعه پرنده‌ایست که افق پروازش خیلی بالاتر از تیررس ماست. این پرنده دارای دو بال است، یک بال سرخ و بال دیگر سبز. بال سرخ شیعه شهادت‌طلبی است که ریشه در کربلا دارد، و شیعه را فناپذیر کرده است. بال سبز این پرنده اعتقاد به مهدویت و عدالت‌خواهی او است. شیعه در انتظار عدالت به سر می‌برد و به امید آن است، و انسان امیدوار نیز شکست‌ناپذیر است. این پرنده زرهی نیز دارد به نام ولایت. بین تمامی مذاهب اسلامی، شیعه تنها مذهبی است که نگاهش به ولایت فقیه است. ولایت فقیه شیعه را تهدیدناپذیر کرده است. تهدیدناپذیری، شکست‌ناپذیری و فناپذیر بودن در این تحلیل بر اصول و مبانی انقلاب اسلامی ایران مبتنی گشته است." (ایزدی، ۱۳۸۷: ۸)

۲-۸. جایگاه علمی ایران

با توجه به اهمیت کسب علم و دانش در اسلام و اهمیت آن در نظام اسلامی، ما شاهد رشد چشم‌گیر تولید علم به صورت کمی و کیفی هستیم به نحوی که جایگاه ایران پس از انقلاب به لحاظ تعداد دانشجو بیست و دومین کشور جهان گردید و در رشته‌های فنی در جهان چهاردهم و در خاورمیانه بعد از مصر قرار دارد. همچنین ایران به لحاظ پیشرفت پزشکی و هسته‌ای در جهان جزء ده کشور اول و در خاورمیانه مقام نخست را دارد. (ایزدی، ۱۳۸۷: ۱۸۸)

بنا بر گزارشات آکادمی ملی علوم انگلستان موسوم به انجمن سلطنتی علوم بریتانیا، ایران سریع‌ترین رشد علمی جهان را در دهه قبل داشته است. بر اساس این گزارش بین سال‌های ۱۹۹۶-۲۰۰۰ دانشمندان ایرانی ۱۳۲۳۸ مقاله علمی به چاپ رسانده‌اند. درحالی‌که این رقم در دو دوره قبلی ۷۳۶ مقاله بوده که این رشد ۱۸ صدی را نشان می‌دهد. همچنین رشد علمی ایران ۱۱ برابر متوسط جهانی قلمداد شده است. که سریع‌تر از هر کشور دیگر است. (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران: ۱۳۹۰)

۳-۸. معنویت و اخلاص

در بحث مؤلفه‌های قدرت نرم از منظر اسلام بحث اخلاص و معنویت به طور مفصل بیان گردید. در این بخش سعی شده است به یکی از رویش‌های انقلاب اسلامی ایران، یعنی بسیج بپردازیم که مصداق و نمودی کامل از معنویت و اخلاص محسوب می‌گردد. بسیج به عنوان یک نیروی ارزشی در کنار اخلاص و معنویت در دوران جنگ تحمیلی و بعد از آن در جهاد علمی و عملی پیش قدم بوده است.

به طور اساسی بسیج یک حرکت اجتماعی است که با یک هدف خاص تشکیل می‌شود. این امر در هر جامعه‌ای با توجه به فرهنگ آن جامعه با اشکال مختلفی به وجود می‌آید. در صدر اسلام نیز به هنگام حمله کفار و منافقین علیه مسلمانان، آنان داوطلبانه در مساجد گرد هم می‌آمدند، تا توان خود را از نظر نیروی انسانی و تجهیزات نظامی برای مقابله با دشمنان اسلام بسیج کنند. امام خمینی (ره) با الگوگیری از این امر بسیج را مطرح کردند، که با نیت پاک و خالص پا در میدان می‌گذارد. صداقت در گفتار، رابطه با خدا، ارتباط با مردم (مردمی بودن) و اخلاص در عمل و وجود معنویت با روح بسیجی عجین شده است که در کنار وجود کار ویژه‌های متنوع مثل نظامی و غیرنظامی (علمی، سازندگی، فرهنگی و...) و با داشتن ویژگی خارج از کنترل دولت (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۶۵) و داشتن روحیه خودباوری شهادت و ظلم‌ستیزی این نیرو را شکست‌ناپذیر نموده است.

۴-۸. فرهنگ مقاومت و شهادت

مقاومت و شهادت دو عنصر تاریخ‌ساز و سرنوشت آفرین حیات اجتماعی مسلمانان را شکل می‌دهد. حضور این دو عنصر در حیات سیاسی، اجتماعی مسلمانان، نقش برجسته‌ای داشته است به نحوی که فراموشی این دو عنصر در

هر دوره‌ای باعث ذلت و بی‌چارگی آنان گردیده است. در رأس نظام جمهوری اسلامی ایران آموزه‌های اسلام شیعی قرار دارد که یکی از آن آموزه‌ها بحث مقاومت و شهادت است. برخورداری از روحیه مقاومت و شهادت آفریننده قدرت نرم و بالندگی و بازدارندگی در مقابل دشمنان را در پی داشته است. (محمدی، ۱۳۸۹: ۹-۱۰)

شهادت‌گرایی از واژگانی است که با فرهنگ ایرانیان عجین گشته است. پس از انقلاب اسلامی ایران، یعنی در نظام جمهوری اسلامی ایران بالاخص در دوران دفاع مقدس، فرهنگ مقاومت و شهادت با نشانه‌هایی از فرهنگ استقامت، سلحشوری و فداکاری پیوند یافته است. فرهنگ ایثار و شهادت در دوران مبارزه قبل و بعد از انقلاب تبدیل به فعال‌سازی فرهنگ استکبارستیزی و ظلم‌ستیزی گردید. فرهنگ شهادت قبل از ورود اسلام نیز در بین ایرانیان وجود داشته است. در اساطیر و ادبیات داستانی که مربوط به مقاومت ملی و جدال در مقابل بیگانگان بوده است، نشانه‌هایی از شهادت‌گرایی ترسیم می‌گردد. در این ارتباط حتی (آرش کمان‌گیر) در کنش‌گری خود برای حفظ تمامیت ارضی کشور به قتل می‌رسد. بعد از اسلام و در مکتب شیعه با الهام از عاشورا روحیه شهادت‌طلبی در دوره‌های مختلف باز تولید می‌گردد که مراسم‌ها و آئین عاشورا و تاسوعا آن را گسترش می‌دهد. (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۳۳۶-۳۳۵)

مردم مسلمان ایران در دوران انقلاب و پس از آن سینه‌های خود را برای گلوله‌ها آماده کرده بود، و از شهادت هراسی نداشت و این امر باعث پیروزی آن‌ها گشت. (محمدی، ۱۳۸۹: ۹) شهادت آن قدر با انقلاب ایران آمیخته شده بود و مردم آن را پذیرفته بودند، که میشل فوکو در این باره می‌گوید:

«پس از کشتار هفده شهریور که وارد ایران شدم، فکر می‌کردم با شهری وحشت‌زده رو به رو خواهم شد. چون چهار هزار نفر کشته شده بودند. نمی‌توانم بگویم مردم را شاد دیدم اما واقعاً از ترس خبری نبود، حتی شجاعانشان

بیشتر شده بود.» (فوکو، ۱۳۸۶: ۶۳)

آرزوی شهادت به عنوان عامل قدرت نرم در نظام جمهوری اسلامی الهام گرفته از مکتب عاشورا بوده و این امر بین جوانان چنین روحیه‌ای به وجود آورد که در دوران دفاع مقدس شاهد آن بودیم و آن روحیه بود که باعث پیروزی در جنگ گردید. اساساً اگر ملتی شهادت را انتخاب کند، هیچ موقع تن به اسارت و ضلالت نمی‌دهد، هیچ موقع زور را تحمل نکرده و در مقابل آن می‌ایستد. با توجه به این نوع نگاه امام خمینی (ره) می‌فرماید:

«منطق ملت ما منطق صدر اسلام است اگر بکشیم بهشت می‌رویم و اگر کشته بشویم به بهشت می‌رویم. این منطق شکست ندارد.» (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۳۱۴)

۳۲

فصلنامه مطالعات
قدرت نرم

سال دوم، شماره ششم، تابستان ۱۳۹۱

۵-۸. اعتماد به نفس و عزت‌مداری

دین مبین اسلام مؤمنان و مسلمانان را واجد صفاتی می‌داند که توجه به آن باعث ایجاد اعتماد به نفس و خودباوری می‌گردد. قرآن کریم نشانه مؤمن واقعی را داشتن توکل به خداوند ذکر می‌کند. «وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (انفال: ۲) "و بر پروردگار خود توکل می‌کنند." توکل به خدا در سایه عزتی که خداوند به مؤمنین داده است. «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (نساء: ۱۴۱) "و حال آن‌که عزت مخصوص خدا و رسول و اهل ایمان است." این عزت مانع پذیرش سلطه کفار می‌گردد. زیرا پذیرش کفار بسترساز خودباختگی است و خداوند آن را نهی کرده است. «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) "خداوند تا ابد اجازه نداده که کافران کمترین تسلطی بر مؤمنان داشته باشند."

رهبر معظم انقلاب درباره خودباوری فرهنگی و عزت نفس می‌فرماید؛ "اگر کشوری از لحاظ شاکله ظاهری، مقبول و پیشرفته جلوه کند. ولی از نظر فرهنگی و باطنی دچار مشکل سیاسی باشد. یعنی روح خودباوری و اعتماد به نفس نباشد،

آن ملت ورشکسته خواهد بود. ولی اگر به لحاظ فرهنگی غنی باشد و به خودباوری رسیده باشد. حتی با وجود مشکلات سیاسی و اقتصادی، مات مقتدری خواهد بود."

(مقام معظم رهبری، اردیبهشت ۱۳۹۰)

نظام جمهوری اسلامی ایران با درک اقدامات و سیاست‌های استعماری و استبدادی از یک سو و آشنایی عمیق با آموزه‌های دینی، عنصر هویت‌ساز خودباوری را در ملت ایران و ملت‌های مسلمان و جهان سوم زنده کرد. حضرت امام (ره) در این باب می‌فرمایند: «باور کنیم که خودمان می‌توانیم، اول هر چیز این باور است. که ما می‌توانیم این کار را انجام بدهیم. وقتی این باور آمد اراده می‌کنیم، وقتی اراده در ملتی پیدا شد همه به کار وامی‌ایستند، دنبال کار می‌روند.» و در جای دیگر می‌فرمایند: «اساس همه شکست‌ها و پیروزی‌ها از خود آدم شروع می‌شود. انسان اساس پیروزی‌ها و اساس شکست است. باور انسان اساس تمام امور است.» (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۱۹۳)

نمود و نتیجه خودباوری و اعتمادبه‌نفس ملت ایران بعد از انقلاب با وجود مشکلات عدیده در زمینه‌های علمی و فرهنگی به روشنی قابل مشاهده است. پیشرفت‌هایی در زمینه پزشکی، هسته‌ای، تسلیحاتی، نظامی، سدسازی در کنار مطرح شدن ایران به عنوان یک کشور تأثیرگذار گوشه‌ای از رشد و ترقی ایران در منطقه و جهان محسوب می‌گردد که در سایه توکل به خدا و اعتمادبه‌نفس به وجود آمده است.

۹. ارزش‌های سیاسی

با استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران نام اسلام سیاسی و الگوی حکومت اسلامی مطرح گردید که به لحاظ سیاسی یک دستاورد اساسی برای انقلاب اسلامی ایران مطرح گشت. تمام آزادی‌خواهان و ملت‌های مسلمان از انقلاب

ایران حمایت کردند. و روزنه‌های امید را در دل مسلمانان به وجود آورد. مدل موفق حکومت اسلامی در ایران بعد از ۳۳ سال و بعد از گذراندن روزهای سخت، امروزه در سطح جهان به عنوان یک مدل حکومتی مطرح است. امروزه در هر کشور مسلمانی که انقلاب می‌شود و یا حکومتی ساقط می‌گردد؛ مثل عراق یا افغانستان، اولین گزینه برای تشکیل حکومت، بحث حکومت اسلامی است. بدون شک می‌توان گفت که این خواسته‌ها بدون تأثیر از انقلاب ایران نبوده است و لذا با توجه به جنبش‌ها و انقلاباتی که در منطقه رخ داده است، خود کشورهای غربی اذعان دارند که خاستگاه این انقلاب‌ها اسلام است و انقلاب ایران این خاستگاه، یعنی اسلام را بین مردم زنده نموده است. در نتیجه می‌توان گفت که نقش جمهوری اسلامی ایران در تحولات منطقه از اهمیت بالایی برخوردار است. جمهوری اسلامی ایران بر ارزش‌های سیاسی مثل اخلاق، عدالت و خدامحوری تأکید نموده که ریشه در فطرت پاک آدمی دارد و سعی نموده است با رعایت حداکثری ارزش‌های سیاسی به نقش و جایگاه و اقتدار خود در داخل و سطح بین‌الملل بیافزاید.

۹-۱. خدامحوری

یکی از اموری که باعث تقویت قدرت نرم می‌گردد، تکیه کردن بر قدرت لایزال الهی است، در بحث قبل به طور مفصل آورده شد که هیچ قدرتی جز به خواست خدا و جز از جانب او وجود ندارد و بیان گردید، اصل الهی بودن در مقابل اصالت انسان قرار می‌گیرد. ایرانیان نیز تکیه بر قدرت لایزال الهی را، مهم‌ترین نماد و اصل اعتقادی خود می‌دانند. در فرهنگ ایرانیان خدامحوری از جایگاه خاصی برخوردار است به نحوی که ایرانیان به هنگام ورود اسلام، پیرو دین زرتشت بوده و معتقد به خدای یگانه بودند. ایرانیان از دوران قبل از اسلام تا به حال با تکیه بر دو پشتوانه مستحکم، یعنی ملیت و تدین که در رأس آن

توحید است، توانسته‌اند عوامل اتحادساز را در نظام و جامعه بین تمامی اقشار به وجود آورند. (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۳۱۵)

انقلاب اسلامی ایران به عنوان انقلابی برای خدا و برای اجرای احکام الهی و ارزش‌های توحیدی بنا گشت و حاکمیت مطلق خداوند را به تمام برنامه‌های خود به عنوان یک اصل قبول نمود و از آن به عنوان محرک در رسیدن به هدف استفاده نمود. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مواردی آورده شده است که حاکی از پذیرش حاکمیت مطلق خداوند بر جهان و انسان‌ها دارد. و لزوم تسلیم در برابر امر خداوند را واجب نموده است. لذا همه سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر حاکمیت خدا بر هستی است. اصل ۵۶ و اصل ۲ نیز بر این امر دلالت می‌نمایند.

۲-۹. اخلاق

جمهوری اسلامی ایران با توجه به هویت اسلامی و شیعی خود ائمه معصومین(ع) را الگوی خود قرار داده و اخلاق را جزء لاینفک از برنامه‌ریزی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خود می‌داند. بر خلاف آنچه در رژیم قبلی و یا در کشورهای غربی وجود دارد، در جمهوری اسلامی ایران رعایت اصول اخلاقی یک ارزش محسوب می‌گردد و در سیاست‌های کلی به بحث تقویت فضائل اخلاقی و ایمان در کنار مؤلفه‌هایی مثل روحیه ایثار و امید به آینده آورده شده است که این امر حاکی از بها دادن به ارزش‌های والای اخلاقی در کنار دیگر امور مثل سیاست و اقتصاد و... دارد. اصل رعایت اخلاق در بندهای ۱، ۶، ۹، ۱۶ از اصل ۳ قانون اساسی و اصولی مانند اصل برائت، منع شکنجه، آزادی عقیده، ترک هتک حرمت، عدم تجاوز به حقوق دیگران که به ترتیب در اصل‌های ۳۷، ۳۸، ۳۹ و ۴۰ آمده است همگی نشان از رعایت اصول اخلاقی در قانون اساسی دارد.

۳-۹. عدالت

جمهوری اسلامی ایران با گفتمان عدالت شکل گرفت و قانون اساسی آن که راهنمای منش سیاسی و فرهنگی و اقتصادی هر کشوری است، بر همان مبنا استوار گردیده و عدالت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، از گفتمان‌های اصلی انقلاب محسوب می‌گردد که امام خمینی (قدس سره) ارائه دادند. حضرت امام در مورد هدف غایی انقلاب اسلامی می‌فرمایند: «ما می‌خواهیم عدالت اسلامی در این مملکت برقرار کنیم... یک همچو اسلامی که عدالت محور باشد، اسلامی که در آن هیچ ظلمی نباشد...» (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۲۴) مقام معظم رهبری - مدظله‌العالی - نیز تصریح می‌کنند: «گفتمان عدالت، یک گفتمان اساسی است همه چیز ماست، منهای آن جمهوری اسلامی هیچ حرفی برای گفتن نخواهد داشت.» (سروری، ۱۳۸۹: ۱۲)

عدالت طلبی همواره ریشه در فرهنگ و تمدن ایران داشته و اسلام شیعی آن را تقویت کرده است. عدالت یکی از ارزش‌های جامعه ایران، پیش از گرویدن ایرانیان به دین مبین اسلام بوده است به گونه‌ای که عدالت طلبی یکی از عناصر قوام‌بخش هویت ایرانی است و ایرانیت در برگیرنده و متضمن عدل و عدالت می‌باشد. (مجتهدزاده، ۱۳۸۳: ۲۴۴-۲۲۲)

۴-۹. مطلوب‌های سیاست خارجی

سیاست خارجی جمهوری ایران، با مبنای آموزه‌های اسلامی بر اصولی همچون نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق مسلمانان، عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب، همچنین دفاع از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین، نفی سلطه بیگانگان بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ استوار است. با توجه به اصول مندرج در قانون اساسی (اصل

۱۵۳، ۱۵۲، ۱۵۱، ۱۱) به دو نوع سیاست سلبی و ایجابی در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌توان اشاره کرد.

الف) سیاست ایجابی: ایجاد وحدت، بین مسلمانان جزء سیاست خارجی ایجابی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌گردد و نیز از اول انقلاب، جزء شعارهای اساسی بوده است. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «ما می‌خواهیم به همه ملت‌ها بفهمانیم که اسلام یک دین وحدت است. یک دینی که هیچ‌یک از قشرها تفوق بر دیگری ندارد. مگر تقوا و پیروی از احکام اسلام.» (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۲۲۶) و نسبت به کشورهای غیرمسلمان، دعوت، تعامل و همکاری و روابط حسنه و صلح‌آمیز، تا حد امکان بوده است.

ب) سیاست سلبی: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری (نفی سبیل) را در منش سیاسی خود با دیگران بر نمی‌تابد و هیچ موقع خود را در مقابل کشورهای زورگو متعهد نمی‌داند و زیر بار ظلم آنان نمی‌رود. امام خمینی (ره) در این باب می‌فرماید: «آنان از اسلامی که مؤید آن‌ها است نمی‌ترسند، بلکه از اسلام علی‌ابن‌ابی‌طالب می‌ترسند که ظلم‌ستیز است. آنان از اسلامی که به گوشه عزلت بنشیند و عبادت کند و کاری هم به دیگران نداشته باشد، نمی‌ترسند. آنان از اسلامی می‌ترسند که برای حق و عدالت جنگ جمل و صفین و نهروان نمود. آنان از اسلامی می‌ترسند که سکوت علیه ستمکاران را جایز نمی‌داند.» (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۳۳۷)

به طور خلاصه، برآیند کلی اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، در دو مورد ذیل نمود پیدا کرده، و قابل‌بیان است: (۱) به چالش کشیدن هژمونی غرب؛ نتیجه تمام اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که از اسلام گرفته شده است، بستر و ظرفیت فکری برای مبارزه با سلطه‌جویی‌های غرب را با توجه به روحیه خودباوری به وجود آورده است. (۲) جهانی شدن مبارزه با سلطه، زور و استکبار: در رأس تمام این‌ها مبارزه با آمریکا و اسرائیل قرار دارد.

۱۰. کارکردهای مؤلفه‌های قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نهضت الهی با تأکیدی که بر آموزه‌های دینی دارد، نوع نگاهش به قدرت نرم‌افزاری است. این نظام که علت وجودی، پیدایش و علت مبقیه آن آموزه‌های اسلام است توانسته است، ضمن رنگ بخشیدن به مبانی فکری اسلامی و شیعه رنگ و بو و تفسیر کهن از آن را کنار زده و با رویکرد و نگاه جدید به مسائل احیاگر اسلام واقعی شود. این نظام با احیای تفکر اسلامی، محوریت فعالیت‌های خود را با کارکردهای فرهنگی و اسلامی به منصه ظهور گذاشت، کارکردهایی همچون فرهنگ ایشار و شهادت، معنویت، اعتماد به نفس، عدالت و همچنین اتخاذ سیاست خارجی مبتنی بر استکبارستیزی، نفی سیبل و همچنین وحدت با کشورهای اسلامی و با ارائه الگوهای مردم‌سالاری دینی به عنوان یک ارزش دینی مطرح گردید.

جمهوری اسلامی ایران به لحاظ توسعه آرمان‌های خود در جهان توانسته است، به عنوان یک کشور اسلامی پیشتاز در مسائل دینی، فرهنگی و مذهبی مطرح گردد و الگویی برای دیگر کشورها قرار گیرد. زیرا اسلام در گفتمان آن به صورت جذاب، کارآمد، منطقی و عملی توفیق داشته است. امروزه جمهوری اسلامی ایران سردمدار جنبش نرم‌افزاری و فرهنگی جهان اسلام است. (دهشیری، ۱۳۸۲: ۴) با توجه به آنچه در باب مؤلفه‌ها و شاخصه‌های قدرت نرم از منظر اسلام بیان گردید و در جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفت. از دل سه مؤلفه فرهنگ، ارزش سیاسی و مطلوب‌های سیاست خارجی می‌توان کارکرد ذیل را استخراج نمود که هر کدام از آنها باعث تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران گشته است.

۱-۱۰. ترویج و احیای معنویت‌گرایی

جمهوری اسلامی ایران یک فضای گفتمانی مبتنی بر عنصر معنویت‌گرایی و

بازگشت به فطرت خویشتن به وجود آورد. این گفتمان به اندازه‌ای مهم بود که یکی از عوامل صدور انقلاب اسلامی، واقع گردید. این امر روح حقیقت‌طلبی، عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی می‌باشد که هم اعتلای مسلمانان و بشریت را خواستار است. حضرت امام(ره) می‌فرمایند: «ما که می‌گوییم انقلاب را می‌خواهیم صادر کنیم، می‌خواهیم این مطلب را، همین معنایی که پیداشده، همین معنویتی که پیداشده در ایران، ما می‌خواهیم این را صادر کنیم.»

۳۹

فصلنامه مطالعات

قدرت نرم

قدرت نرم از دیدگاه اسلام و کاربرد مؤلفه‌های آن در جمهوری اسلامی ایران

حسین پور احمدی و همکار

خدا محوری عامل تقویت معنویت در سیاست است، و علت آن اعتقاد به اصل "خدا حاضری" و "خدا ناظری" است. (پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵: ۱۴۶)

توحیدگرایی مهم‌ترین و بزرگ‌ترین اثر معنویت‌گرایی است، و جمهوری اسلامی ایران اصل مطلق حاکمیت الله را قبول کرده و سیاست‌های خود را بر آن مبنا قرار داده است. هر اندازه که جدایی معنویت از سیاست از خودباختگی و استعمار شدن، بی‌عدالتی و بی‌اخلاقی، جنگ و دنیاپرستی را به بار می‌آورد، در مقابل دخالت دادن معنویت در سیاست و حکومت عزت و ایستادگی، مقابله با ظلم، استکبارستیزی، خداترسی و احساس وظیفه را به بار می‌آورد. جمهوری اسلامی ایران با دخالت دادن معنویت به سیاست داخلی و خارجی، آثار مثبت معنویت‌گرایی را در جهت تقویت قدرت خود استفاده و در مقابل، خود را از آسیب‌های جدایی معنویت در امان نگه داشته است. امام خمینی(ره) می‌فرمایند: «اسلام تمامش سیاست است. البته سیاستی که با اخلاق و معنویت و عرفان گره خورده است.» ایشان، سیاست‌مدار فاقد معنویت را چاقوکشی می‌داند، که دنیا را به فساد می‌کشاند، و علمای سیاسی با این ویژگی را فاسد و مفسد معرفی می‌کند. (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۱۷۲)

فوکو در باره آثار مثبت معنویت‌گرایی در جمهوری اسلامی ایران می‌گوید: «تجربه معنویت‌گرایانه در بطن اسلام شیعی وجود داشته و بیان می‌دارد، اسلام دیگر افیون ملت‌ها نبود. بلکه یک امید است برای جهانیان و این را انقلاب و

نظام اسلامی ایران دست یافت.» به اعتقاد فوکو ماده اساسی پدیدآورنده و محرک اصلی، علت دوام و بقای آینده انقلاب ایران را باید در عنصر بنیادین دین و معنویت جستجو کرد. (خرمشاد، ۱۳۸۸: ۲۱۶)

آمیختگی معنویت با سیاست به این معنا است که یک سیاست‌مدار مُتخلِّق به صفات کمال و عرفان باشد. اختلاط و آمیزش دین و سیاست به گونه‌ای که صبغه دینی آن نمود بیشتری داشته باشد. تداعی‌کننده این نکته است که میشل فوکو آن را تحت عنوان "معنویت‌گرایی" در انقلاب اسلامی ایران یاد می‌کند. این پدیده تنها در انقلاب ایران بروز کرد. (خرمشاد، ۱۳۸۸: ۲۱۶) معنویت‌گرایی سیاسی در ایران مبانی فرهنگی سکورالیستی حاکم و رایج در ایران را به مبارزه خواند و به نفی هر گونه سلطه پرداخت.

همان طور که در بحث قبل آورده شد بسیج به عنوان یک رویش در جمهوری اسلامی ایران، نمودی از معنویت و اخلاص است که با خلوص قلبی بالای خود به صورت فعال مسائل مختلف و مشکلات را دیده و از توان خود در دفاع از حریم آزادی و استقلال و حکومت اسلامی بهره جسته‌اند. می‌توان کارکرد این نیروی مخلص را به عنوان یک مصداق واقعی از اخلاص و معنویت، به صورت یک نیروی عظیم دید که با دنبال کردن راه انقلاب اسلامی، از طریق افزایش معلومات و سطح دانش و آگاهی‌های خود، من جمله بینش سیاسی، در صحنه‌های مختلف، حضور خود را اعلام دارند و ختنی‌گر توطئه دشمنان انقلاب بوده و با شجاعت و فداکاری از آفات احتمالی انقلاب جلوگیری کنند و با ادامه راه شهدا از ارزش‌های والای انقلاب اسلامی محافظت نمایند.

بسیج در نظام اسلامی ایران با شناخت آفات انقلاب به وظایف عمده خود در راستای اهداف انقلاب می‌پردازد و به تدریج با آفاتی نظیر نفوذ اندیشه‌های بیگانه، تجددگرایی افراطی، نفوذ و رخنه فرصت‌طلبان، فرهنگ‌ها و ارزش‌های پست و طرد مبارزه کرده و در اطاعت از اوامر و فرامین رهبری انقلاب، پیشگام

است. بسیج همچنین توانسته به حفظ معنویت در نظام جمهوری اسلامی ایران که از آرمان‌های مهم و اساسی این انقلاب بوده بپردازد، و همواره آن را حفظ کند. امروزه بسیجیان توانسته‌اند زبان گویای انقلاب، اسوه و الگویی صادق، نمونه بارز و مجسم مؤمن اسلام باشند. انقلاب ما یک انقلاب الهی، ارزشی و معنوی است و از اهداف عمده آن، حاکمیت اخلاق و معارف اسلامی در جامعه است. بسیجیان با ارزش گذاشتن به معنویات و عمل نمودن به دستورات دینی و دارا بودن اخلاق اسلامی توانسته‌اند در حفظ، تبلیغ و اشاعه فرهنگ و معارف اسلامی بکوشند و دیگران را به ارزش‌های اسلامی راغب سازند. آن‌ها با اهتمام در اجرای امر به معروف و نهی از منکر از راه زبان و عمل، به معارف دین که خود زیربنا و اساس انقلاب اسلامی است ارج می‌نهند و در نتیجه، فضای جامعه را سالم و سلامت حرکت انقلاب را تأمین می‌کنند.

۲-۱۰. احیای باورها و اعتقادات

یکی از کارکردهای جمهوری اسلامی ایران زنده کردن باورها و اعتقادات دینی است. این امر نظام جمهوری اسلامی ایران را از دیگر نظام‌ها و حکومت‌ها متمایز نموده است. با تشکیل حکومت اسلامی در ایران غبارها از فرهنگ اسلامی برداشته شد و اسلام‌باوری، خداباوری و خودباوری را مطرح گشت. باور به این که اسلام می‌تواند نجات‌بخش باشد در فضایی مطرح گشت که تمام حکومت‌ها، دنیای غرب و شرق را ناجی محسوب می‌کردند. جمهوری اسلامی ایران با انقلابی که انجام داد، حاکمیت الله و اسلام را مطرح نمود و گفتمان جدیدی شکل داد. امام خمینی (ره) فرمودند: «در سایه اسلام، ما می‌توانیم مملکت خود را حفظ کنیم. امروز اسلام به عنوان یک مکتب متری که قادر است تمامی نیازهای بشر را تأمین کند و مشکلات او را حل نماید، مورد توجه تمام مسلمانان جهان مخصوصاً ایران قرار گرفته است.» (امام خمینی،

پیروزی انقلاب ایران و شکل‌گیری نظامی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، ضمن این‌که نقطه عطفی در احیای هویت دینی مسلمانان به شمار می‌رفت، نگرش اندیشمندان، جامعه‌شناسان و متفکران را نسبت به کارکرد دین تغییر داد. اگر قبل از انقلاب ایران در رویکردهای سیاسی و اجتماعی‌های خاصی بود و از نقش دین هیچ صحبتی در میان نبود. با انقلاب ایران و پایه‌گذاری جمهوری اسلامی ایران، تفکرات نسبت به نقش دین در تحولات اجتماعی و سیاسی عوض شد. (افروغ، ۱۳۷۳: ۱۰۳) نقش دین و احیای باورها و اعتقادات دینی در پیروزی و تداوم نظام جمهوری اسلامی ایران نسبت به سایر گزاره‌ها در اولویت قرار گرفته که این نشان از اهمیت یافتن دین و فرهنگ در جمهوری اسلامی ایران دارد.

۳-۱۰. ارتقای معرفت و بینش

جمهوری اسلامی ایران با عمل به آموزه‌های دینی و داخل نمودن آن در زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی باعث ارتقای معرفت و بینش سیاسی مردم گشت که نتیجه آن در دو حوزه داخلی و خارجی قابل مشاهده است. نتیجه معرفت به آموزه‌های دینی در حوزه داخلی موجب همدلی، وحدت، بسیج عمومی و همچنین بیداری ملت مسلمان ایران گردید به نحوی که در سایه این بیداری و وحدت، در مقابل قدرت‌های بزرگ ایستادگی نمود به نحوی که فوکو از آن به عنوان یک شگفتی نام می‌برد. (محمدی، ۱۳۸۹: ۲۸) و در حوزه خارجی موجب ظلم‌ستیزی، مقابله با بی‌عدالتی و بیداری اسلامی مردم مسلمان و آزاده جهان گردید. یکی از تأثیرگذارترین عوامل که موجب ارتقای بینش مردم ایران شد، معرفت به پیام آموزه‌های دینی مثل عاشورا، جهاد، شهادت و ظلم‌ستیزی است، ملت ایران متأثر از این آموزه‌ها در مقابل دسیسه‌های دشمنان ایستادگی نمود.

۴-۱۰. کارکرد عدالت در جمهوری اسلامی ایران

عدالت مفهوم عامی است که شامل استقلال طلبی، ظلم ستیزی، عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی می‌گردد. یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های عدالت، عدالت اجتماعی است. جمهوری اسلامی ایران در سایه تشکیل حکومت مبتنی بر اصول اسلامی که در رأس آن ولی فقیه وجود دارد، توانسته است به یک وضعیت مطلوب در حوزه عدالت اجتماعی نائل گردد. عدالت اجتماعی یکی از مهم‌ترین آرمان‌های بشری در طول تاریخ بوده و در اندیشه سیاسی اسلام نیز جایگاه والایی نزد فیلسوفان سیاسی و حاکمان اسلامی داشته است. عدالت اجتماعی در اصطلاح قرآنی با تعبیر قسط، به معنای عدم تبعیض و ستم در جامعه و توزیع عادلانه امکانات مطرح گردیده است. تحقق عدالت اقتصادی مردم را ایثارگر و فداکار نموده تا جایی که رنج و سختی‌ها را تحمل می‌کنند، تا دیگران از خطر حفظ شوند. وقتی روح عدالت در مردم حاکم شد، آن قدر صفا، وفا، صمیمیت و یکرنگی در جامعه رشد می‌کند که مردم خیرخواه یکدیگر می‌شوند. دلیل این امر آن است که انسان ذاتاً موجودی پاک‌سرشت و بامحبت و مهرورز است، در جامعه‌ای که هرکس به فکر تضييع حقوق دیگران باشد روحیه خشونت به تدریج در بنیان زندگی فردی و اجتماعی بروز می‌دهد.

عدالت‌خواهی در طول تاریخ، آرمان همه ایرانیان بوده و بی‌تردید موتور محرک برای رسیدن به اهداف جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌گردد. انقلاب اسلامی ایران با رهبری مدبرانه و روشنگرانه امام خمینی (ره) بر پایه برقراری عدالت بر ملت خسته از بی‌عدالتی‌های رژیم ظالم پهلوی جان دوباره بخشید و لذا این انقلاب با شعار برقراری عدالت در کلیه ارکان اجتماع ایران رسوخ کرد، و نهایتاً در بهمن ۱۳۵۷، همانند سیلی خروشان با سرنگونی شاه خواست تاریخی خود را مبنی بر برقراری عدالت در تمام ارکان جامعه به اثبات رسانید. دیدگاه‌ها و جهت‌گیری‌های امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب پیرامون عدالت اجتماعی و تأکید بر این اصل مهم از آغاز مبارزه علیه رژیم پهلوی و رفتار و عملکرد

ایشان، در گسترش انقلاب اسلامی به نقاط دیگر جهان و الگو گیری از آن نقش کلیدی داشت.

۵-۱۰. کاربرد اخلاق

اشاعه فضیلت‌های اخلاقی در جامعه مانند هوای لطیفی است که زمینه زندگی سالم را فراهم آورده و انسان را از حرص، جهالت، دنیاطلبی‌ها، بغض‌های شخصی و سوء ظن به یکدیگر بازمی‌دارد. بر مبنای همین دلیل در اسلام تزکیه و رشد اخلاقی بر دیگر امور مقدم است. شکل‌گیری و استدام حرکت انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران بر مبنای اصول اخلاقی بوده و به طور حتم با روش غیر اخلاقی نمی‌توان پاسدار حقیقت بود، اگر امروزه جمهوری اسلامی ایران ماندگار شده و برای دیگران الگو شده به این خاطر است که سعی نموده است، حرف اسلام را به زبان آورد و تابع محض اصول اسلامی باشد. جمهوری اسلامی ایران خوب می‌داند که قدرت و اقتدارش در اجرای اصول اخلاقی و اسلامی است. اگر از این اصول دست بکشد، ماهیت خود را زیر سؤال برده و شکننده خواهد شد. اگر ملت ایران از اول انقلاب در مقابل توطئه‌ها، تحریم‌ها و از آن بالاتر در جنگ تحمیلی در مقابل فشارها و هجمه‌ها صبر نموده‌اند و حتی جان و مال خود را داوطلبانه برای این نظام داده‌اند، تنها به این خاطر است که آن‌ها احساس امنیت و عزت را در ذیل حکومت اسلامی به دست آورده‌اند. لذا در مقابل صداقت، عدالت‌خواهی، استکبارستیزی و آرمان‌های اسلامی این نظام حاضرند، هر نوع فداکاری و از خود گذشتگی را انجام دهند. بی‌اعتنایی و زیر پا گذاشتن ارزش‌های اخلاقی باعث ایجاد فساد اخلاقی در جامعه اسلامی می‌شود، و این امر به هیچ عنوان با تقدس نظام جمهوری اسلامی و التزام به آن سازگاری ندارد. یکی از ویژگی‌های حکومت ولایی که در رأس آن ولایت فقیه وجود دارد، این است که مردم احساس امنیت کنند، و جامعه نیز از بد اخلاقی‌ها و بی‌عدالتی‌ها پاک گردد. بحمدالله در رأس حکومت نظام اسلامی ایران، چه در

زمان امام(ره) و چه اکنون، ولی فقیه جامع‌الشرایطی وجود داشته و دارد که تا به امروز توانسته است در حد بالایی انحرافات، کج‌روی‌ها و بی‌اخلاقی‌ها جلوگیری نماید. بی‌اخلاقی و بی‌عدالتی در هر نظامی و با درجات مختلف اتفاق می‌افتد، اما آنچه نظام ولایی را از دیگر نظام‌ها جدا می‌نماید همین بحث مراقبت‌هایی است که از طرف ولی فقیه رخ می‌دهد. مسئولین اجرایی، قضایی و یا احزاب و گروه‌ها در طول سه دهه انقلاب بعضاً دچار لغزش‌ها و یا کاستی‌هایی در عرصه اجرا و نظارت بوده‌اند که رهبری به آن‌ها متذکر می‌شدند. رهبر معظم انقلاب - مدظله‌العالی - در ابلاغیه‌ای خطاب به مسئولان اجرایی کشور بحث مبارزه با فقر و فساد و تبعیض را بیان می‌دارند و یا در بین استادان و صاحب‌نظران اقتصادی کشور مطرح می‌کنند، وضع فعلی عدالت مطلقاً راضی‌کننده نیست. (خامنه‌ای، اردیبهشت ۱۳۹۰)

یکی از بدترین آسیب‌های حکومت بد اخلاقی‌هایی است که توسط مسئولین رده‌بالای حکومت رخ می‌دهد. این امر در توده مردم اثر می‌گذارد، و مردم را دلسرد می‌کند. رهبر معظم انقلاب بارها به مسئولین کشوری هشدار داده‌اند که مراقب اعمال و گفتار خویش باشند. و بارها مخصوصاً بعد از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ از آسیب‌های منفی بد اخلاقی‌ها سخن به میان آوردند. رهبر معظم انقلاب در باب بد اخلاقی‌های فرهنگی و عمومی که در بین مردم وجود دارد، تذکراتی را نیز بیان نموده‌اند و در این باره سخنرانی مهم فرمودند:

«در زمینه فرهنگ، اخلاق عمومی و عدم رواج فضائل اخلاقی، مشکلاتی داریم. باید روز به روز فضائل اخلاقی در بین ما رشد کند. صبر ما، شکر ما، ذکر ما، احسان ما، مروت ما نسبت به دیگران، اجتناب ما از ایذاء دیگران، میل ما به خدمت به دیگران، روزه‌روز باید در بین جامعه رشد پیدا کند. این‌ها به خودی خود پیش نمی‌آید؛ این‌ها کار لازم دارد، تلاش لازم دارد. در این زمینه‌ها کوتاهی داریم. رواج فرهنگ اسراف و تجمل‌گرایی در جامعه، رشد یا عدم توقف میل به

خشونت در برخی از بدنه جوان کشور، مضر است. ما فیلم‌هایی پخش می‌کنیم که خود آن کسانی که سازنده این فیلم‌ها هستند، به خودشان هشدار می‌دهند و می‌خواهند خطر این فیلم‌ها را که تولید خشونت در جامعه است، متوقف کنند؛ ولی ما حالا داریم، این‌ها را منتشر می‌کنیم! این‌ها مضر است. بچه‌های ما از اول با خنجر و با قمه و با اسلحه گرم - البته پلاستیکی‌اش - آشنا بشوند، انس پیدا کنند، یاد بگیرند؛ خوب، این‌ها خطرات دارد، اشکالات دارد، تبعات دارد، در جامعه آثارش را هم می‌بینیم؛ این جزو ضعف‌های ماست.» (خامنه‌ای، ۱۶/۰۵/۱۳۹۰)

تمام آنچه گفته شد نمونه‌هایی از بد اخلاقی‌هایی است که جامعه ما را تهدید می‌نماید. لذا باید متوجه باشیم که تابع امر ولی فقیه بوده و در مقابل روش‌های استکبار، که برای مقابله با ملت‌های مستقل، ایجاد ناامنی اجتماعی و اخلاقی و روحی در جامعه می‌نمایند، و رواج بی‌بندوباری اخلاقی و سست کردن پایه‌های اخلاق محصول طراحی می‌کنند، بایستیم. زیرا بدون امنیت اجتماعی و اخلاقی پیشرفت و سربلندی کشور ممکن نخواهد بود. اگر توجه به امور اخلاقی مورد خدشه واقع گردد، در داخل مردم و در سطح بین‌الملل دوستاران انقلاب دلسرد شده و این امر مشکلاتی برای حکومت به بار می‌آورد.

۶-۱۰. کارکردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

با روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی ایران، دین و مذهب جایگاه اصلی خود را در معادلات بین‌المللی پیدا کرد و بر این مبنا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصل «نه شرقی نه غربی» استوار گردید که علاوه بر شکستن ابهت استکبار جهانی و قطع دخالت بیگانگان در امور داخلی کشورهای مستضعف، پیام و راه ثالثی را به جهانیان عرضه کند که بر استقرار و اجرای عدالت، اجرای قوانین و مقررات الهی، تکیه بر آزادی توأم با مسئولیت انسان در

برابر خداوند، ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی، مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی، تأمین حقوق همه‌جانبه مستضعفان، نفی استعمار و سلطه خارجی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حمایت از مسلمانان و مظلومان جهان، قوت بخشیدن به قدرت اسلام و مسلمانان، گسترش فرهنگ اسلامی و اعتقادات معنوی در سراسر جهان و تحکیم وحدت امت اسلامی در جهت استقرار عدالت و نفی سلطه قدرت‌های استکباری تأکید می‌کرد.

۴۷

فصلنامه مطالعات
قدرت نرم

با توجه به آنچه بیان گردید، کارکردهای این مؤلفه را می‌توان به شرح ذیل بیان کرد: الف) ارتقای بیداری اسلامی؛ ب) روی کار آمدن نیروی سومی در معادلات نظام بین‌الملل؛ ج) علنی گشتن مبارزه با استکبار و صهیونیسم؛ د) زنده کردن اسلام سیاسی؛ ه) چالش کشیدن هژمونی فرهنگی غرب؛ و) مطرح گشتن گفت‌وگو و وحدت بین کشورهای اسلامی.

نتیجه‌گیری

قدرت نرمی که توسط جوزف نای مفهوم‌سازی گردید، بر مؤلفه‌هایی مانند فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و مطلوب‌های سیاسی استوار گردید. با توجه به آنچه در این مقاله آورده شد مبانی قدرت نرم از منظر اسلام به دلیل تفاوت در نوع نگاه به انسان و الله، مبانی نظری بین آنچه در غرب مطرح است و آنچه مورد نظر اسلام است متفاوت است. فرهنگ به عنوان یکی از منابع قدرت نرم از منظر اسلام بر شاخصه‌هایی مانند آزادی، عزت‌مداری، شهادت‌طلبی، معنویت‌گرایی و اخلاص، اعتماد به نفس و علم‌گرایی تأکید می‌نماید و در بعد سیاسی بر مؤلفه‌هایی مانند خدامحوری، عدالت، صداقت و اخلاق بنا گردیده است و نیز در بعد مطلوب‌های سیاست خارجی بر همگرایی و وحدت تأکید می‌نماید.

جمهوری اسلامی ایران با توجه به انقلابی که انجام داد و در آن فرهنگ، اصول و ارزش‌هایی اسلامی به عنوان یک اصل مورد پذیرش قرار گرفت، فضای

فرهنگی مبتنی بر معنویت‌گرایی، شهادت‌طلبی، علم‌گرایی، اعتماد به نفس رشد و نمو نمود و حاکمیت خداوند بر انسان‌ها و اجرای اخلاق و عدالت در جامعه مورد پذیرش مردم و سیاستمداران قرار گرفت و در قانون اساسی نیز در انقلاب اسلامی ایران تأکید نمود و نیز در بُعد سیاست خارجی با اتخاذ سیاست سلبی با سلطه‌جویی و سلطه‌طلبی و با اتخاذ سیاست ایجابی به ایجاد وحدت بین مسلمانان پرداخت. جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر کارکرد هر یک از این مؤلفه‌ها توانست ضمن ایجاد تحول فرهنگی در سطح داخلی، به احیای خودباوری دینی و بیداری اسلامی در عرصه منطقه‌ای و تأثیرگذاری بر مناسبات جهانی دست یابد و اقتدار نرم‌افزاری خود را در عرصه بین‌المللی به منصه ظهور رساند. در واقع، حکومت جمهوری اسلامی ایران که اساساً هدف انقلاب آن با شعار حمایت از مسلمانان و مستضعفان جهان و نیز نهضت‌ها و حرکت‌های آزادی‌بخش شروع شد، توانست به احیای مجدد عظمت و شکوه تمدن اسلامی در عرصه بین‌الملل همت گمارد. ایران اسلامی توانست به عنوان انقلابی مردمی، مترقی و اصیل و دارای نیروی عظیم معنوی، با تبیین پیام وحدت و قدرت جهان اسلام چهره حقیقی قدرت نرم‌افزاری خود را بر جهانیان بنمایاند و با پیام معنوی و اخلاقی خود به عنوان انقلابی نیرومند تمامی معادلات جهانی را درهم شکند و با گشودن جبهه‌ای ثالث در نظام بین‌الملل فارغ از سلطه قدرت‌های استکباری، نظم نوین نرم‌افزاری را در روابط بین‌الملل رقم زند. اگر جمهوری اسلامی ایران بخواهد در آینده در سطح داخل و بین‌الملل کار خود را با موفقیت ادامه دهد، باید در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی اصول اخلاقی و اسلامی را رعایت نماید و با تکیه بر قدرت نرم‌افزاری مبتنی بر اصول اسلامی اهداف خود را پیش ببرد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن ابی الحدید، عزالدین عبدالحمید (۱۳۸۵ ق)، شرح نهج البلاغه، ج ۱۰، قاهره، دار التراث العربی.
۴. اصغریان کاری، زینب (۱۳۸۹)، «دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آسیای میانه»، پایان‌نامه ارشد مطالعات منطقه‌ای، تهران دانشگاه شهید بهشتی - دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی.
۵. افتخاری، اصغر و ناصر شعبانی (۱۳۸۹)، قدرت نرم، نبرد نامتقارن تحلیل جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله و جنگ ۲۲ روزه غزه، چ ۱، تهران، امام صادق (ع).
۶. افتخاری، اصغر و همکاران (۱۳۸۷)، قدرت نرم و سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی بسیج)، چ ۱، تهران، انتشارات امام صادق (ع).
۷. افروغ، عماد، ۱۳۷۳، دین و قشریندی اجتماعی، فصلنامه راهبرد، شماره ۳.
۸. زمانی، مصطفی (۱۳۶۲)، دیوان امام علی (ع)، پیام اسلام، بی‌جا.
۹. ایزدی، حجت‌الله (۱۳۸۷)، «مبانی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات بسیج، سال ۱۱، شماره ۴۰.
۱۰. بیانات حضرت آیه الله خامنه‌ای بیست و هفتم اردیبهشت ۱۳۹۰ (در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی) - www.leader.ir/langs/fa
۱۱. بیانات حضرت آیه الله خامنه‌ای در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب، اردیبهشت ۱۳۹۰ - www.leader.ir/langs/fa
۱۲. بیانات حضرت آیه الله خامنه‌ای در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران، www.leader.ir/langs/fa - ۱۳۹۰/۵/۱۶

۱۳. بیانات مقام معظم رهبری، در جمع پاسدارن، ۱۳۸۱/۷ - www.leader.ir/langs/fa
۱۴. بیکی، مهدی (۱۳۸۹)، **قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران**، چ ۲، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۱۵. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (۱۳۸۵)، **اندیشه سیاسی در گفتمان علوی**، چ ۲، قم، بوستان کتاب.
۱۶. پژوهشنامه انقلاب اسلامی (۱۳۸۵)، «**تئوری وحدت سیاست و معنویت از منظر امام خمینی**»، شماره ۱۳.
۱۷. پور احمدی، حسین (۱۳۸۹)، **قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران**، قم، بوستان کتاب.
۱۸. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۳)، «**جایگاه روحیه عدالت خواهی در هویت ملی ایرانیان**»، در: گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران، تهران، تمدن ایرانی.
۱۹. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴)، «**جنبش دانشجویی و سیاست فرهنگی**»، ماهنامه آئین، شماره ۱۰.
۲۰. حسین زاده، سید محمدعلی (۱۳۸۶)، **اسلام سیاسی در ایران**، چ ۱، قم، مؤسسه دانشگاه مفید.
۲۱. خالصی، ناصر، «**بن پایه‌های فکری دولت‌های محور شرارت در خاورمیانه**»، نیوروز، شماره ۸۰۶.
۲۲. خانی، محمدحسن (۱۳۸۲)، «**فرهنگ و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها**»، دو فصلنامه سیاسی، شماره ۲.
۲۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، فروردین ۱۳۹۰ ° website.informer.com/irna.ir
۲۴. خراسانی، رضا (۱۳۸۷)، «**جایگاه و نقش قدرت فرهنگی در سیاست خارجی و تأثیر آن بر روند تحولات جهانی**»، فصلنامه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم، شماره ۴۱.
۲۵. خرمشاد، محمدباقر (۱۳۷۷)، «**فوکو و انقلاب اسلامی ایران؛ معنویت گرایی در سیاست**»، پژوهشنامه متین، شماره ۱.
۲۶. خمینی (امام ره)، روح‌الله (۱۳۷۰)، **صحیفه نور**، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، جلدهای ۱۲، ۹، ۱۳، ۱۵، ۲۳، ۲۱، ۱۹ و ۲۵.
۲۷. _____ (۱۳۸۲)، **کلمات قصار**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۸. دشتی، محمد (۱۳۷۹)، **ترجمه نهج البلاغه**، چ ۷، قم، نشر مشرقین.
۲۹. دفتر انتشارات اسلامی (۱۳۸۴)، **مباحث علمی در تفسیر المیزان "استاد علامه سیّد محمدحسین طباطبایی"**، ج ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.

۳۰. دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۲)، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، شماره ۱۷، سال دوم.
۳۱. رنجبران، داود (۱۳۸۸)، جنگ نرم، تهران، ساحل اندیشه، چاپ ششم.
۳۲. زرشناس، شهریار (۱۳۷۸)، اشاراتی درباره لیبرالیسم در ایران، چ ۲، تهران، سازمان انتشارات کیهان.
۳۳. سایت نور: <http://www.noormags.com/view/magazine>.
۳۴. سیمبر، رضا و دیگران (۱۳۸۹)، «اسلام‌گرایی در نظام بین‌الملل»، تهران، انتشارات امام صادق (ع)، چاپ اول.
۳۵. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲ و ۳، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۶. عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۱)، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، چاپ نهم.
۳۷. عماد، افروغ (۱۳۷۳)، «دین و قشربندی اجتماعی»، فصلنامه راهبرد، شماره ۳.
۳۸. فوکو، میشل (۱۳۸۶)، ایران روح یک جهان بی‌روح و ۹ گفتگوی دیگر با میشل فوکو، چ ۵، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان دیده، تهران، نشر نی.
۳۹. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۴۰. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۰)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران، سمت.
۴۱. کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۶۹)، نقش قدرت در جامعه و روابط بین‌الملل، تهران، قومس.
۴۲. کلینی، محمد یعقوب (۱۳۷۵)، اصول کافی، ج ۱ (۶ جلدی)، تهران، انتشارات اسوه.
۴۳. گلشن پژوه، محمدرضا (۱۳۸۷)، جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم، چ ۱، تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی ° دفتر گسترش تولید علم.
۴۴. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی، تهران، نشر نی.
۴۵. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۳)، روحیه عدالت‌خواهی و جایگاه آن در هویت ملی ایرانیان، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات ملی.
۴۶. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۷)، بحارالانوار، ج ۱، قم، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۴۷. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۶)، میزان الحکمه، مترجم: محمدرضا شیخی، قم، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۴۸. محمدی، یدالله (۱۳۸۹)، «انقلاب اسلامی و نقش تاریخ‌ساز امام خمینی در تولید قدرت نرم»، پایگاه مجازی تحلیل و بررسی جنگ نرم. www.jangnarm.com
۴۹. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸)، تحول در نظریات روابط بین‌الملل، تهران، سمت، چاپ چهارم.
۵۰. مصلی نژاد، عباس (۱۳۸۹)، فرهنگ سیاسی ایران، تهران، فرهنگ صبا، چاپ چهارم.

۵۱. ملت آنلاین ۱۸ اسفند ۱۳۸۹ - www.mellatonline.ir/
۵۲. ملت آنلاین، ضرورت وجود صداقت در سیاست، ۲۸ تیرماه ۱۳۹۰ - www.mellatonline.ir/
۵۳. میر احمدی، منصور وهادی آجیلی (۱۳۸۸)، «درآمدی بر معنا و مفهوم قدرت در روابط بین الملل: رویکرد اسلامی»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، ش ۱۹.
۵۴. میلسن ژان و همکاران (۱۳۸۸)، دیپلماسی عمومی نوین؛ قدرت نرم در روابط بین‌الملل، مترجمان: رضا کلهر و سید محسن روحانی، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، چاپ دوم.
۵۵. نای، جوزف (گفتگو) (۱۳۷۸)، «قدرت نرم ابزار موفقیت در جهان سیاست»، جواد حمیدی، روزنامه همشهری.
۵۶. _____ (۱۳۸۲)، کاربری قدرت نرم، ترجمه سید رضا میر طاهر، تهران، قومس.
۵۷. _____ (۱۳۸۹)، قدرت نرم ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل، ترجمه سید محسن روحانی، و مهدی ذوالفقاری، تهران، امام صادق.
۵۸. نجف لکزیایی، (۱۳۹۰/۳/۱)، «فرهنگ دغدغه ملاصدرا در حکمت متعالیه»، روزنامه قدس.
۵۹. نقیب زاده، احمد (۱۳۸۲)، تأثیر فرهنگ ملی بر رفتار سیاسی ایرانیان، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۶۰. واثقی راد، محمدحسین (۱۳۸۳)، نگرشی نو به تاریخ اسلام، ج ۱، قم، آفاق غدیر.